

پشت بوم

مشهد فوتبالی آری،مشهد هنری خیر



حسین هاشم‌پور

● وزیر ارشاد گفته ترجیح می‌دهد به نظرات امام‌جمعه مشهد پاسخ‌ی ندهد. اهالی هنر از جمله اهالی موسیقی هم ترجیح بر سکوت داده‌اند؛ البته اگر سکوت وزیر ارشاد به سبب گفت‌وگو و رایزنی در فضای آرام و دورشدن از التهابات رسانه‌ای باشد و بعدتر خبرهای خوب از گشایش فضای هنری به گوش برسد، درک شدنی است؛ اما اینکه انفعال نهاده‌ها و انجمن‌های هنری را کجای دل باید گذاشت، پرسش دردآلودی است.

یک:اگر ایران نتواند موسیقی حلال و کنسرت حلال به دنیا معرفی کند پس چه فرهنگ و چه کشوری می‌تواند؟ الگودهی فرهنگی- هنری برای جهان اسلام با حذف‌صورت‌مسئله ممکن است؟

دو:موسیقی نیاز بش ارست، تعبیری مانند «مشکل مردم کنسرت نیست» سبب شده موسیقی غربی به ذهن شرقی جوان ایرانی شیخون بزند و نسل امروز موزیسن‌های اروپایی- آمریکایی را بشناسد، اما نداند نوا ی‌تی، زخمه تار و تمنا ی کمانچه چیست؛ اگر این نیاز را موزیسین مسلمان پاسخ ندهد، حتما دیگران بر این میل خواهند تاخت که تاخته‌اند.

سه:در کنسرت‌ها چه خبر می‌تواند باشد؟ به‌یقین سلامت فضای کنسرت از سلامت هر مسابقه فوتبالی بیشتر است؛ خود فوتبالیست‌ها از فضای استادبوم‌های ورزشی به ستوه آمده‌اند، اما هیچ‌یک از علما تاکنون در این‌باره لب به شکوایه نگشوده‌اند، اما چنان از فضای کنسرت‌ها می‌گویند که گویا نمی‌دانند آتجا همه قوانین جمهوری اسلامی جاری است.

چهار:نکسی با برپایی کنسرت در پی مقصود شومی نیست، کنسرت، تنها محل رزق‌روزی اهالی موسیقی است؛ از آلبوم‌های موسیقی سودی عاید نمی‌شود و اگر در کنسرت‌ها بسته شود، اهالی موسیقی از رزق حلال می‌افتند؛ دراین‌میان البته نشاط جامعه، تسری آرامش هنر به جان مردم ملول از دشواری‌های زندگی، تجربه با هم نبوشیدن موسیقی، تقویت موسیقی ایرانی و کمک به اشاعه آن در گستره بین‌الملل و… دیگر فواید آشکار فراگیری کنسرت‌هاست که برای یک کشور ۸۰ میلیونی چونان نان شب ضروری ست.

پنج:به قول یکی از فرهیختگان مشهدی، آقای رضا کیانیان، «مشهد شایسته بهترین‌هاست، از جمله بهترین سالن موسیقی… ما که نباید از روی دست عربستان تقلب بنویسیم».

به گمانم اندکی اعتماد به جامعه هنری و نیز یادآوری آفرینش‌های هنری که آدمی را یک‌قدم به فطرت خود نزدیک‌تر می‌کند، چاره این سوءتفاهمات ناخوشایند است.

هر چه هست، الان وقت خاجالی‌دادن نیست، سکوت سبب تسری تحدید کنسرت از مشهد به سبزوار، نیشابور، تربت‌حیدریه و… می‌شود؛ کم‌اینکه از تیزر و اصفهان هم خبر می‌رسد به نوازندگان زن اجازه اجرا روی صحنه داده نمی‌شود درحالی‌که در این دو شهر، هنرستان موسیقی فعال است و ذیل نظام آموزشی همین کشور، چچه‌ها مدرک تحصیلی‌شان را موسیقی دریافت می‌کنند.

خیلی دور خیلی نزدیک

لحاف‌های «فریدون آو» در گالری آ.ب زوربخ

● شرق؛ مجموعه‌ای از آثار فریدون آو با عنوان «شاه‌عباس و غلام‌بچه» در گالری آ.ب زوربخ سونیس به نمایش درآمده، نمایشگاه «شاه‌عباس و غلام‌بچه» که با نمایشگاه‌گردانی پیتر فیشر از ۳۱ مرداد (۲۱ آگوست) تا ۱۹مهر (۸ اکتبر) در جریان است، آثاری از «آو» را به نمایش می‌گذارد که ترکیبی از پارچه و خطوط را بگ و شکل تقریباً بی‌نظم است. نمایشگاه موردنظر شامل هفت اثر از این هنرمند است که هرکدام را به نام «لحاف یک» تا «لحاف هفت» شماره‌گذاری کرده و در ابعاد بزرگ مانند یک لحاف پارچه‌ای در معرض دید قرار می‌گیرد. شش اثر مربوط به سال ۲۰۱۵ و یک اثر در سال جاری میلادی طراحی و ساخته شده است. برگزارکنندگان این نمایشگاه او را این‌طور معرفی می‌کنند: «به‌سختی شرح‌حالی وجود دارد که به‌درستی فریدون او را توصیف کند. درعین‌حال او شخصیتی بین‌المللی است که از هنرهای فرهنگی و ملی گذشته، هنرگردانی است که کارآموز نسلی از هنرمندان پس از خود بوده است؛ مجموعه‌داری از کارهای هنری با دانش‌وشناختی ژرف از هنر خاورمیانه و باخترزمین و سرانجام هنرمندی است که در جست‌وجوی درک دنیا با یافتن پیوندهای درونی پیچیده در نگاره‌های شاعرانه نسلی از فریدون او در درکش با کار با قلم‌مو؛ قلم و مداد؛ نوشتار و خط؛ مواد و مفاهیم و سطح و زرفنای نگاره‌ها هنرشناس است.»«فریدون آو» در زندگی هنری‌اش ارتباط نزدیکی با «سای تومبلی»، نقاش معاصر آمریکایی (۲۰۱۱-۱۹۲۸) و از پرچمداران نقاشی انتزاعی نیمه دوم قرن بیستم، داشته است.

شرق؛ فیلم «فروشنده» از بدو تولد و بلافاصله بعد از نخستین اکران جهانی‌اش در جشنواره جهانی فیلم کن، نعتیها در دریافت جوایز مهم – بهترین‌فیلم‌نامه و بهترین بازیگر مرد – رکورددار شد، بلکه به نظر می‌رسد نخستین فیلم بلند داستانی در تاریخ سینمای ایران است که پیش از اکران عمومی، منتقدانش به‌جای استقبال، به جنگش رفته‌اند!

فیلمی که هنوز مردم ایران به تماشای آن نرفته‌اند، با انواع و اقسام ادله نواخته می‌شود و هرروز این فشارها بیشتر! شاید بتوان این‌گونه تحلیل کرد که از لحظه ورود مسافران کن به تهران و برپایی جلسه‌مطبوعاتی عوامل اصلی با نمایندگان رسانه‌ها، تا امروز خطاب به افکار عمومی بر طبل کوبیده می‌شود که «ایهالاناس فیلم فروشنده را نبیند».

اما این پرسش مهم مطرح می‌شود که چرا و به چه دلیل منتقدان و مخالفان به مصاف «فروشنده» رفته‌اند؟ مگر اصغر فرهادی چه کرده که این‌قدر باید مورد حمله واقع شود؟

هنوز گرمای جوایز در دستان برندگان به سردی گرایش پیدا نکرده که سؤالات حاشیه‌ای مطرح شده که سرمایه‌گذار فیلم، خواهر امیر قطر است و طرفدار گروه تروریستی داعش، بعد به پوشش و گرایش‌های فکری ترانه علی‌دوستی تاخته‌اند. تنها نکته مهم فیلم را وجود شهاب حسینی می‌دانستد که جایزه‌اش را به مقام شامخ حضرت مهدی (عج) تقدیم کرد که البته کاری ستودنی بود.

اما به مرور هم حوادث سینمای ایران به سمتی رفت که در کنار زبان‌های ازکام‌درآمده مخالفان، شمشیرها هم از نیام بیرون آمدند. «خواشی شانزدهمین جشن حافظ» باعث شد واژه‌ای که مسعود فراستی درباره فیلم «دونده زمین» کمال تبریزی در برنامه «هفت» به کار برد، در نشریه یال‌نارات (راگان رسمی حزب‌الله) در مطلبی به بهانه این جشن بر تازک سینمای ایران فرود بیاید. البته در این مسیر هم شهاب حسینی ملقب به «دوگانه‌سوز» – به دلیل تلاش برای دریافت گرین‌کارت- معرفی شد؛ چون در دفاع از کیان سینما، از به‌کارگیری این واژه مکرر شده بود و عملکرد نویسندگان آن مطلب را نظیر رفتار گروه تروریستی «داعش» توصیف کرد. حالا برای آنها هم شهاب حسینی پروتاگونیستی بود که آنتاگونیست شد!...

اما به‌تازگی هم در خیرگزاری تسنیم مطلبی در نکوهش «فروشنده» به قلم پرویز امینی، جامعه‌شناس، به نقل از صفحه تلگرامش منتشر شده است. هرچند که ایشان متذکر شد که فیلم را دیده، اما معتقد است که جدیدترین ساخته فرهادی در مقایسه با آثار گذشته او، فیلم کم‌بنیه‌تری از نظر قصه‌پردازی، کشش‌های داستانی و تگk از نظر مدعیات فکری است.

صرف‌نظر از اینکه چه جامعه‌شناس چقدر می‌تواند

اصولی و مبتنی‌به نظریه‌های نقد و انتقادی فیلمی را تحلیل کند، اما با وجود این به صرف اینکه فیلم‌سازی، فیلمی متوسط ساخته، می‌تواند به‌طورکلی از حیز انتفاع ساقط شود؛ در این صورت تکلیف دوستان

ک از وقتی آلبومتان منتشر شده تابه‌حال چه بازخوردهایی گرفته‌اید؟

نظر مثبت‌دادن که راحت است و خیلی‌ها لطف داشتند و من هم بازخورد مثبت زیاد گرفتم. کامنت‌های منفی‌ای که دیدم، یکی این بود چرا استایل شما بیش از حد غربی است؟ یا اینکه گفته بودند چرا آن‌قدر زود کنسرت گذاشتید و ما هنوز آهنگ‌ها را حفظ نشده‌ایم. کسی گفته بود آلبوم دیستروشن است (خنده دسته‌جمعی).

ک جدای از این کامنت‌های مردمی، منظور بازخوردهای جدی از جانب افن است؟

به‌هرحال، تا اینجا مجموع بازخوردها مثبت است و مشخص شده این آلبوم براساس کار تیمی تولید شده و کار انفرادی کاوه یغمایی نیست. دوست نداشتم خودم لاین‌درام بنویسم، صدابرداری کنم، گیتار بزنم و بخوانم، بلکه می‌خواستم کارکردن در صنعت موسیقی را تجربه کنم و واقعا هم شگفت‌انگیز بود؛ از تکنولوژی رکورد گرفته تا برخورد‌های حرفه‌ای.

چرا برادران «کامیل یغمایی» در این کنسرت حضور ندارند؟

در شرایطی که ما کار می‌کنیم استرس زیاد است و تا آخرین لحظه هم مشخص نیست چه اتفاقی می‌افتد. برخی تحمل چنین شرایطی را دارند و برخی ندارند. من هم انتظار ندارم هنرمندی شرایط سخت موسیقی امروز را قبول کند و همان‌طور که می‌بینید خیلی از موزیسین‌ها تحمل ندارند در این شرایط کار کنند. فکر می‌کنم کار باید به اینجا می‌رسید و اتفاقی می‌افتاد تا کامیل هم بخواد همراه ما بیاد. کامیل اصولا آدم عجله نیست. در این کنسرت فکر می‌کنم به‌عنوان نوازنده می‌مانم حضور داشته باشد و اگر شرایط با همین روند ادامه پیدا کند، به جز کامیل شاید هنرمند‌های دیگری با همین شرایط هم شروع به کار کنند و حتما هم می‌توانند آثار بهتری از من خلق کنند.

قرار بود پروژه‌ای را در کنار همسرتان «نیلوفر فرزندشاد» داشته باشید و کارهای بزرگانی مانند بهتوون را به شکل راک اجرا کنید. این پروژه به کجا رسید؟

نیلوفر تصمیم دارد این پروژه حتما اتفاق بیفتد، اما باید شرایط مطمئنی برای ورود موزیسین‌های غیرایرانی که نیاز است در این پروژه باشند به ایران فراهم شود. به‌هرحال، این اتفاقات و کارهایی که در ذهن داریم، یکی‌یکی پیگیری می‌شوند.

آیا سالن میلاد نمایشگاه از نظر صدا دچار مشکل نیست؟

همه مسائل به صدابرداری ربط دارد. در خارج از ایران در ورزشگاه‌ها که بازگشت صدا افتضاح است، صدای باکیفیتی شنیدم که باورم نمی‌شد. ما به دلیل شرایط این‌بار نتوانستیم از حضور صدابردار «نیکل بک» و اطلاعاتشان استفاده کنیم. امیدوارم چنین امکانی بزودی فراهم شود.

ک قطعانی که در کنسرت اجرا می‌شود همگی از آلبوم منشور هستند؟ خیر از هر سه آلبوم است، شش قطعه از منشور اجرا می‌کنیم، چهار قطعه از سکوت سرد و چهار قطعه هم از آلبوم «مترسک».

این روزها سورپرایز در کنسرت خیلی باب شده است. آیا شما هم برای مخاطبان برنامه خاصی دارید؟

شاید این سؤال را پس از کنسرت از مخاطبان بپرسید بهتر باشد. به قول «جیمی هندریکس»، همه‌چیز روی استیج اتفاق می‌افتد. ما همه توانمان را می‌گذاریم.

هنر

دلیل حمله زود هنگام به کارگردان «فروشنده» چیست؟

فرهادی در سیبل



عکس: صابر امینی

در سال آینده با افتخارات بیشتری سینمای خود را به سمت تعالی حرکت دهیم».

اما این‌نوع تعابیر درباره فرهادی باز هم تکرار شد و پس از درخشش اصغر فرهادی و کسب جایزه اسکار، پیام تبریکی با چنین متنی انتشار یافت: «با موفقیت فیلم «جدایی نادر از سیمین» در اخذ اسکار، اصغر فرهادی در شهاب حسینی در جشنواره بین‌المللی فجر ۲۰۱۶ و به‌دست‌آوردن جوایز بهترین ساریو و بهترین بازیگر نقش اول مرد از این رویداد سینمایی برای فیلم «فروشنده»، جواد شمقدری حمله‌ای قابل‌بیش‌بینی به این فیلم داشت که البته این موضع‌گیری‌ها از سوی چنین شخصی، بسیار عجیب بود، چون با مواضع پیشین او کاملاً در تضاد است».

به گزارش «تابناک»، تعبیری که می‌خوانید، پس از موفقیت فرهادی و دریافت خرس طلای جشنواره برلین برای فیلم «جدایی نادر از سیمین» مطرح شد: «به اصغر فرهادی، کارگردان این فیلم، به دلیل دریافت جوایز ارزنده در جشنواره بین‌المللی فیلم برلین تبریک می‌گویم. در طول یک سال گذشته، نقدهای بسیاری را شنیدیم و معتقدم در این زمینه، نیاز به آموزش بیشتری داریم، چراکه احساس می‌شود دچار آسیب‌های جدی هستیم. نگاه مطلق‌گرای در حوزه نقد سینمای ایران وجود دارد که با اغراق‌گویی موضوعات را مانند یک بهمن بر سر مخاطب خود خراب می‌کند. البته سینماگران نیز باید در این حوزه آموزش ببینند. سینمای ایران رای همه فیلم ایران است و امیدواریم که دوره جدیدی برای سینماگران و مسئولان آغاز شده باشد و

به‌هرحال این ادعا و گفته‌ها در تاریخ باقی می‌ماند. تنها باید صبر کنیم و فیلم اکران شود. اما این سؤال به ذهن خطور می‌کند که منتقدان فیلم در چه شرایطی فیلم را دیده‌اند که علاقه‌مندان سینمای فرهادی تا امروز از این فرصت بی‌بهره بودند؟

ادامه از صفحه ۹

ارتباط هنرمند و مردم را نمی‌توان قطع کرد

ک اگر برسیم بر سر موضوع آلبوم شما، پیش از هر چیزی دوست داشتیم بدانیم «منشور» دقیقاً چه زمانی تولید شد؟

از سال ۲۰۰۶ که سکوت سرد منتشر شد تا ۲۰۱۲ که آخرین مستر این آلبوم یعنی ورژن هفت گرفته شد، روند تولید منشور ادامه داشت. چهار سال هم آلبوم منتشر نشد. نه اینکه در کل این مدت رکورد کنم، بلکه سخت‌ترین قسمت تولید آلبوم انتخاب ملودی‌هاست و پس از آن ترانه‌ها. آن زمان از نظر روحی زیاد روی فرم نبودم و خیلی سخت بود که به این روند ادامه دهم.

ک یعنی آن چیزی که ما در منشور می‌شنویم از ۲۰۱۲ به بعد هیچ تغییری نکرده است؟

خیر، این آخرین ورژن است. ک در زمینه ترانه، شما قائل به این موضوع هستید که شاید ترانه‌های موسیقی را یک بی‌پرواز هستند و شاید از مستقیم حرف‌زدن فرار می‌کنند؟ «کامیل یغمایی» می‌رسد با یک آلبوم راک روبرو هستیم. شما هم چنین نظری دارید؟

با برداشت شما از راک موزیک به‌عنوان موسیقی (اعتراضی) انتقادی، می‌توان آهنگ «مرغ سحر» را به دلیل محتوای ترانه انتقادی، یک آهنگ تمام‌عیار راک فرض کرد که قطعاً این‌طور نیست.

برداشت هنری را نمی‌توان به شرقی یا غربی‌بودن آن یا حتی قومیت یا ملیت آن محدود کرد. به نظر من، این برداشت کاملاً درونی و شخصی است. برای مثال، موسیقی‌دان صاحب‌نام «جان کیج» که در دوران اوج خود یعنی دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی تحت‌تأثیر مطالعه فلسفه‌های شرقی و تعمیق در آیین ذن و البته ترکیب آنها با دیدگاه هنری شخصی خود به عنوان یک هنرمند کاملاً غربی بود- البته از نظر جغرافیایی- تأثیری انکار‌نشدنی بر هنر معاصر غرب داشت که قطعاً تا به امروز کمتر هنرمند شرقی‌ای حتی در صورت حضور فیزیکی در غرب، این تأثیرگذاری را روی هنر غربی داشته. بنابراین البته عواملی مثل موقعیت جغرافیایی یا محیطی می‌توانند تأثیری در آثار هنری هنرمند داشته باشند، اما صرف اینکه تصور کنیم این عوامل می‌توانند همیشه نتیجه‌ای هم‌جنس با محیط یا موقعیت جغرافیایی هنرمند موردنظر را داشته باشند گمراه‌کننده و حتی در بعضی از موارد اشتباه است.

همین‌طور به عقیده من، سؤال شما خواه‌ناخواه سؤالی‌تالیستی است. با این پیش‌شرط که سبک یا شاخه هنری مقصد دارای محتوای عالم بیرونی است و این کاملاً برخلاف دیدگاه تعداد زیادی از هنرمندان است که معتقدند جایگاه هنر بالاتر از آن است که صرفاً درپچه‌ای به سمت خارج باشد. مهم‌تر از آن کار اشتباهی است اگر براساس شعر یا محتوای ادبی، سبک‌شناسی موسیقی صورت گیرد.

به نظر من، هر سبک در هنر به‌عنوان ابزاری است که به شما توان پرداختن به درون خود را می‌دهد و قطعاً نگرش متفاوت به درون، تعدد سبک‌ها را می‌طلبد. البته محکوم‌کردن سبک‌های مدرن موسیقی به دلیل داشتن بعضاً محتوای ترانه‌های خوب یا بد ادبی، «زدن همه با یک چوب است» و من را یاد دورانی می‌اندازد که بعضی از استادانم به دلیل بی‌ادبی بی دانش آموز، همه کلاس را به باد کتک می‌گرفتند.

ک اما منظور از دو سؤال قبلی چیز دیگری بود. شما استایل خاص

زیر آسمان فیروزه ای

گفت‌وگوی ابراهیم داروغه‌زاده دبیرنخستین جشنواره سلامت آموزش سلامت از طریق سینما



● فرانک آرتا: نخستین نشست خبری «جشنواره فیلم سلامت»، دوشنبه ۲۵ مرداد در تالار ایوان ششم برگزار شد. این جشنواره با شعار «جوان نمی‌توان ماند، اما سالم چرا…» از اول تا پنجم شهریور در پردیس «چارسو» برگزار می‌شود. با این بهانه با دبیر آن گفت‌وگویی انجام دادیم:

ک با توجه به تعدد جشنواره‌ها در ایران، ضرورت برگزاری این جشنواره چیست؟

اتفاق در مقایسه با دنیا جشنواره‌های زیادی هم نداریم. برگزاری جشنواره‌ای مثل «سلامت» به دلایل مختلف ضرورت دارد. سلامت موضوعی مهم و فراگیر است و همه افراد جامعه از تولد تا مرگ با این مقوله درگیرند. این نکته جزء مهم‌ترین دغدغه‌های وزیر بهداشت هم هست تا میزان نیاز افراد جامعه به درمان کاهش پیدا کند که لازمه آن آموزش فراگیر و تغییر نگرش‌هاست. فرهنگ‌سازی و آموزش در حوزه سلامت بسیار مهم و جشنواره سلامت راه‌هایی است که می‌تواند جلب توجه عمومی کند.

ک آموزش سلامت برعهده رسانه ملی است. آیا نمی‌توانست چنین آموزشی در شبکه تلویزیونی «سلامت» صورت گیرد؟

جشنواره مقوله‌ای جداست. در اینجا قالب‌های مختلف هنری مثل فیلم سینمایی، فیلم تلویزیونی، سریال و حتی برنامه‌های تلویزیونی داوری می‌کنیم.

ک در شرایطی که هوا برخی موادغذایی آلوده‌اند و… این آموزش‌ها چه تأثیری می‌تواند داشته باشد؟

همین موضوعاتی که گفتید، موضوع فیلم‌هایی هستند که تولید شده‌اند و در جشنواره حضور دارند. ما در این جشنواره فیلم‌های مستند بسیار خوبی داریم که به این موضوعات پرداخته‌اند. جشنواره این فیلم‌ها را معرفی و برجسته می‌کند.

ک طبعاً گزارش شماست که در این جشنواره روان‌شناختی انسان نیاز به کمک روان‌شناسان دارد؛ سریالی همچون Grey's Anatomy حتی برای خودشان جنبه آموزشی داشت. در این‌صورت جشنواره چه کمکی می‌تواند به سینمای ایران کند؟ یکی از کارکردها همین است که فیلم‌هایی که با این موضوعات ساخته شده از سوی کارشناسان این حوزه نقد شود. هدف این است که گفت‌وگویی میان فیلم‌ساز و صاحب‌نظران شکل گیرد تا فیلم‌ها از نظر علمی مؤثر و قابل‌استاد باشند. ولی گاهی اوقات بعضی از فیلم‌ها هم موضوع‌شان جنبه‌های مختلف سلامت انسان است، از فقدان نظر کارشناسی آسیب‌زده رنج دیده‌اند و در نهایت نشانی غلط می‌دهند. نمونه قابل‌اعتنا سریال «پریا» است که این‌روزها در حال بدخش‌شدن است که ارتباط دقیق و کارشناسانه میان فیلم‌نامه‌نویس و کارشناسان بیماری ایدز وزارت بهداشت برقرار شد. اطلاعات این فیلم حتی برای پزشکان هم بار آموزشی دارد. بنابراین هدف جشنواره سلامت کمک به فیلم‌سازان برای انعکاس نظریات درست علمی در فیلم‌هاست.

ک در مرگ عباس کیارستمی که همچنان علت آن در هاله‌ای از ابهام است، به‌وضوح دیوار بی‌اعتمادی میان‌بیماران و پزشکان علی‌شد. قطعاً این مسئله یک‌شبه به وجود نیامد. اما آیا جشنواره برای حل این معضل راهکاری پیشنهاد می‌دهد؟ متأسفانه جامعه ما به سمت بد اخلاقی سیر می‌کند. شما نگاه کنید در فضای مجازی به بهانه گل‌زدن یک فوتبالیست به تیم ما، به‌راحتی به زبان فارسی کامنت‌هایی با الفاظ رکیک می‌نویسند. این ناسانگر مسئله‌ای حاد در جامعه ماست. خیلی از آنها به حوزه وزارت بهداشت مربوط نمی‌شود. وقتی در جامعه‌ای عدالت اجتماعی به طور کامل مفقود نشده و فاصله طبقاتی زیاد شده باشد و بنیان‌های فرهنگی کشور با مشکلات عدیده دست‌وپنجه نرم نمی‌تجده‌اش را این‌گونه در جامعه می‌بینیم. مرز نهنجارها و ناهنجارها به‌هم ریخته است. حالا در این مسیر، جشنواره می‌تواند در ارتقای اخلاقی پزشکی نقش مهمی داشته باشد.

ک یکی از مشکلات جامعه رفتارهای خطر جنسی جوانان و به‌طورکلی نبود اطلاع‌رسانی و آموزش مسائل جنسی که قطعاً نمایش آن در سینما «تابوه» است. اصلاً به این موضوع چه نگاهی دارید؟ در بخش آموزش، متولی آن آموزش‌وپرورش است. آموزش مهارت‌های زندگی که بخشی از آن رفتارهای پرخطر جنسی است، باید در مدارس و براساس رده‌های سنی‌ای که نیاز دارند و تحت نظر کارشناسان و متخصصان مورد توجه قرار بگیرد، اما وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در حیطه اختیارات و وظایف خودش می‌تواند پاسخ‌گو باشد که بخش عمومی آن مربوط به دو وزارتخانه آموزش‌وپرورش و علوم می‌شود، اما آن بخشی که مربوط به درمان است، الان به مراکز بهداشتی زیر نظر وزارتخانه صورت می‌گیرد. البته محدودیت‌هایی از این نظر در کل کشور وجود دارد، اما از زمان پخش سریال «پریا» خوشبختانه دارد اتفاقات خوبی می‌افتد و امیدوارم در سینما هم شاهد چنین حرکات مهمی باشیم.